گزارش

## روایت انفجار در خانه آخرین بازمانده زرین‌کوب

**شرق:** ساعت حوالی سه بامداد بود؛ زمانی که تهران معمولا در سکوتی سنگین فرو می‌رود و چراغ خانه‌ها یکی‌یکی خاموش شده‌اند. اما در یکی از کوچه‌های بن‌بست حوالی خیابان طالقانی، این سکوت با چند صدای پشت‌سرهم شکست؛ صداهایی که ساکنان بعدها گفتند نه شبیه رعد بود و نه شلیک ممتد. چند ثانیه بعد، موج انفجار از راه رسید؛ موجی که شیشه‌ها را شکست، درها را از جا کند و دیوارهای داخلی چند خانه را ترک انداخت. در میان این خانه‌ها، بنایی هم بود که بعدها نامش بیشتر در روایت‌ها تکرار شد: خانه‌ای متعلق به عظیم زرین‌کوب، آخرین بازمانده خانواده‌ای که نامش با ادبیات و تاریخ‌نگاری ایران گره خورده است؛ برادر کوچک‌تر زنده‌یاد دکتر عبدالحسین زرین‌کوب.

اما آنچه در لحظه رخ داد، نه‌فقط یک خسارت ساختمانی، بلکه نوعی برهم‌خوردن زیست روزمره بود؛ خانه‌ای که قرار بود مأمن سال‌های آرامی باشد، ناگهان به فضایی نیمه‌ویران تبدیل شد.

### خانه‌ای بی‌پنجره، شهر بی‌تعادل

صبح که رسید، کوچه دیگر شباهتی به کوچه شب قبل نداشت. شیشه‌ها خرد شده بودند و بخشی از دیوارهای داخلی خانه‌ها فرو ریخته بود. قاب پنجره‌ها یا خم شده بودند یا کاملا از جا درآمده بودند؛ انگار خانه‌ها چشم‌های‌شان را از دست داده باشند.

در خانه عظیم زرین‌کوب، آن‌طورکه روایت می‌کنند، موج انفجار به حدی بوده که نه‌فقط شیشه‌ها، بلکه بخشی از ساختار داخلی را هم تحت تأثیر قرار داده است. با این حال، در میان همه خسارت‌ها، یک نکته برای صاحبخانه اهمیت بیشتری داشت: کتابخانه.

او بعدها با آرامشی آمیخته به ناباوری گفته بود که «کتاب‌ها سالم مانده‌اند». کتابخانه‌ای که گفته می‌شود حدود شش هزار جلد کتاب در خود جای داده و بخشی از آن حاصل سال‌ها زندگی و جمع‌آوری شخصی او بوده است.

اما این خانه تنها نبود؛ چند واحد دیگر در همان محدوده نیز آسیب دیده بودند. همسایگان می‌گویند موج انفجار آن‌قدر شدید بوده که حتی ساختمان‌هایی که فاصله داشتند نیز از لرزش بی‌نصیب نمانده‌اند.

در میان روایت‌های پراکنده‌ای که از آن صبح باقی مانده، یک تصویر تکرار می‌شود: گربه‌هایی که در خانه رفت‌وآمد می‌کنند.

فرح خانم، همسر عظیم زرین‌کوب، می‌گوید تصور چنین وضعی را هرگز نداشتند؛ خانه‌ای که همیشه از تمیزی برق می‌زد، حالا درِ باز و پنجره‌های شکسته دارد و گربه‌ها آزادانه در آن رفت‌وآمد می‌کنند.

او تعریف می‌کند که در لحظه حادثه، با صدایی شدید از خواب پریده‌اند و برق نیز هم‌زمان قطع شده است. در تاریکی، تلاش برای بازکردن در خانه بی‌نتیجه می‌ماند و در نهایت از پنجره کمک خواسته می‌شود. دقایقی بعد، با کمک همسایه‌ها و نیروهای امدادی، راه خروج باز می‌شود.

برخی از ساکنان می‌گویند حالا بهتر می‌فهمند «خانه‌نداشتن» یعنی چه؛ وقتی حتی برای چند روز، خانه‌ای که قرار بوده امن‌ترین نقطه زندگی باشد، دیگر قابل سکونت نیست.

یکی از همسایه‌ها می‌گوید: «وقتی پنجره‌ها نیست، وقتی درها بسته نمی‌شوند، تازه می‌فهمی آدم‌های بی‌خانه چه می‌کشند؛ سرما، ترس، و بلاتکلیفی».

در روزهای پس از حادثه، بخشی از ساکنان به مکان‌های اسکان موقت منتقل شدند و برخی نیز در خانه اقوام یا دوستان ساکن شدند. اما بازگشت به وضعیت عادی هنوز ممکن نشده است؛ زیرا بسیاری از واحدها نیاز به بررسی و بازسازی دارند.

صبح، کوچه بن‌بست حوالی خیابان طالقانی دیگر آن کوچه همیشگی نبود. اگر شب قبل، سکوت و تاریکی بر آن حاکم بود، حالا نور روز همه چیز را بی‌پرده نشان می‌داد: قاب‌های شکسته پنجره‌ها، پرده‌هایی که از لبه دیوار آویزان مانده بودند، و درهایی که یا از جا کنده شده یا نیمه‌باز، به دیوار تکیه داده بودند.

دراین‌میان احمد مسجدجامعی، قائم‌مقام مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی و وزیر اسبق فرهنگ و ارشاد اسلامی، به صاحبخانه سری می‌زند؛ خانه‌ای که در تهران‌گردی‌ها زمانی که شهر در آرامش بود، یکی از مقاصد تهران‌گردی به شمار می‌رفت.

در این کوچه، مرز میان داخل و خارج از بین رفته بود. خانه‌ها دیگر «درون» نداشتند.

یکی از ساکنان می‌گفت: «وقتی در خانه باز نمی‌شود، تازه می‌فهمی خانه یعنی چه. وقتی باد از وسط اتاق رد می‌شود، دیگر اسمش خانه نیست».

در خانه عظیم زرین‌کوب نیز همین وضعیت دیده می‌شد؛ خانه‌ای که زمانی محل کتاب، موسیقی و سکوت شبانه بود، حالا در معرض باد و سرما قرار گرفته بود.

ساکنان از سردرگمی در دریافت خسارت‌ها می‌گویند؛ از اینکه نمی‌دانند باید به کجا مراجعه کنند، چه کسی مسئول ارزیابی است، و چه زمانی امکان بازگشت وجود دارد. برخی از آنها از پراکندگی نهادهای مسئول گلایه دارند؛ اینکه هرکسی بخشی از کار را برعهده می‌گیرد، اما تصویر نهایی روشن نیست.

یکی از اهالی می‌گوید: ما نمی‌دانیم با چه کسی طرف هستیم. هر روز یک گروه می‌آید، عکس می‌گیرد و می‌رود. اما ما هنوز در همان وضعیت مانده‌ایم.

در کنار این سردرگمی، مسئله دیگری هم وجود دارد: بازسازی. بسیاری از واحدها نیاز به تعمیر جدی دارند، اما اختلاف در نوع خسارت، کیفیت مصالح و نحوه ارزیابی، روند بازگشت را کند کرده است.

در پایان روز، کوچه آرام‌تر شده بود؛ اما این آرامش شبیه بازگشت به وضعیت عادی نبود. بیشتر شبیه توقفی موقت بود در میانه یک روند ناتمام؛ جایی بین «ویرانی» و «بازسازی» که هنوز هیچ‌کدام کامل نشده‌اند.

روایت عظیم زرین‌کوب و همسرش، تنها یک داستان شخصی نیست؛ بلکه بخشی از تصویری بزرگ‌تر است از شهری که ناگهان همه چیز در آن زیر و رو شده است.

در نشست «حکمرانی شهری در شرایط جنگ و عدم‌قطعیت‌ها» مطرح شد

# حکمرانی شهری در سایه جنگ

**نورا حسینی:** نشست «حکمرانی شهری در شرایط جنگ و عدم قطعیت‌ها» با محوریت بازاندیشی در مفهوم تاب‌آوری شهری برگزار شد. سخنرانان با تکیه بر تجربه‌های داخلی و خارجی تلاش کردند نشان دهند که شهرهای امروز دیگر نمی‌توانند براساس الگوهای ثابت اداره شوند؛ چراکه بحران از جنگ و سیل تا اختلال‌های زیرساختی به بخشی دائمی از واقعیت شهری تبدیل شده است. بحث‌های مطرح‌شده در این نشست بر یک تغییر رویکرد مشخص متمرکز بود: فاصله‌گرفتن از برنامه‌ریزی خطی و مبتنی بر شرایط پایدار، به سمت حکمرانی‌ای که عدم قطعیت را به‌عنوان وضعیت دائمی در نظر می‌گیرد.

احمد کوهی، استاد دانشگاه، با طرح مفهوم تاب‌آوری شهری، بر این نکته تأکید کرد که شاخص‌های سنتی توسعه شهری از رشد و اشتغال تا دسترسی به خدمات در شرایط بحران‌های پی‌درپی کارکرد محدود دارند. از نگاه او، شهر زمانی قابل اتکاست که بتواند در برابر تکانه‌ها دوام بیاورد و حتی از دل بحران امکان اصلاح ساختارهای خود را پیدا کند. در بخش دیگر نشست، فاطمه‌سادات رحمتی، مدیر اندیشگاه تدبیر و توسعه شهری و منطقه‌ای مِهاد، با اشاره به تجربه شهرهای مختلف جهان نشان داد که این تغییر رویکرد صرفا نظری نیست. نمونه‌هایی مانند روتردام و برخی شهرهای داده‌محور بیانگر آن است که مدیریت شهری به سمت استفاده هم‌زمان از زیرساخت‌های ترکیبی، سیستم‌های هشدار سریع، مشارکت شهروندی و داده‌های لحظه‌ای حرکت کرده است؛ الگویی که در آن بحران نه یک وضعیت استثنایی، بلکه بخشی از طراحی شهری است.

در این نشست که در مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهرداری برگزار شد، احمد کوهی، عضو هیئت علمی دانشگاه تهران، با اشاره به وضعیت کنونی جوامع شهری گفت: در شرایطی زندگی می‌کنیم که نبود اطمینان و بی‌اعتمادی در حال گسترش است و این روند به صورت روزافزون در حال افزایش است. ما این وضعیت را به طور مداوم در زیست روزمره خود مشاهده می‌کنیم. به‌همین‌دلیل باید آمادگی خود را برای مواجهه با دنیای عدم قطعیت‌ها افزایش دهیم. اگر این آمادگی را نتوانیم افزایش دهیم، درواقع منافع بلندمدت خود را کاهش داده و آن را نادیده گرفته‌ایم. او با تأکید بر ضرورت تغییر در نگاه سنتی به توسعه شهری، افزود: در این نگاه، باید دنیا را جهانی ببینیم که در آن آنچه اهمیت دارد، صرفا رشد نیست، و حتی رشد دائمی هم نیست؛ بلکه آنچه اهمیت دارد، ثبات رشد است. این ثبات می‌تواند ضریب اطمینان و احتمال را در یک نظام شهری فراهم کند و در نهایت، وضعیت برنده‌بودن یک شهر را تعیین کند. کوهی ادامه داد: در این چارچوب، مفهوم شهر برنده تغییر می‌کند؛ شهری می‌تواند شهر خوب برای زندگی در قرن جدید باشد که نه صرفا فرصت‌های شغلی یا شرایط اقتصادی مناسب داشته باشد، بلکه بتواند کیفیت زیست پایدار را تضمین کند. در گذشته معیارهایی مانند اشتغال، سلامت، یا دسترسی به مسکن با قیمت مناسب، معیارهای اصلی شهر خوب بودند.

او افزود: اما وقتی شرایط نبود اطمینان را در نظر می‌گیریم، یک معیار مهم دیگر وارد می‌شود و آن تاب‌آوری شهری در برابر تکانه‌هایی است که ممکن است رخ دهد. شهر موفق و زیست‌پذیر، حتی می‌توان گفت شهر آینده، شهری است که تاب‌آوری بالاتری داشته باشد. این استاد دانشگاه با تأکید بر ضرورت تبدیل تاب‌آوری به هدف اصلی حکمرانی شهری، گفت: اگر تاب‌آوری، مقصد و مقصود نهایی ما در ساخت شهر باشد، باید بتوانیم آن را تمرین کنیم، ایجاد کنیم و شرایط تحقق آن را فراهم کنیم. شهری که آینده موفقی خواهد داشت، شهری تاب‌آور است؛ مفهومی که شاید در گذشته چندان تعریف نشده بود، اما امروز به محور شهر آینده تبدیل شده است.

او همچنین با اشاره به شرایط جنگ افزود: شرایط جنگ، به طور کلی می‌تواند یک شهر را به سمت تاب‌آوری بیشتر پیش ببرد. از این منظر، جنگ یک فرصت‌زا نیز هست؛ فرصتی برای رشد شهری که بتواند شهر را یک قدم به جلو ببرد. کوهی در ادامه با پذیرش هم‌زمان هزینه‌ها و خسارات جنگ گفت: البته جنگ خسارت دارد، هزینه‌های بالایی تحمیل می‌کند، می‌تواند شهر را برای مدتی به تعطیلی بکشاند و این تعطیلی خود نوعی خسارت است. همه اینها نکات منفی جنگ هستند. اما اگر یک منفعت بلندمدت‌تر را در نظر بگیریم، یعنی جهش شهر به یک کلاس بالاتر از تاب‌آوری، می‌توان گفت در این وضعیت، جنگ می‌تواند به‌عنوان یک فرصت نیز دیده شود. او درباره این ایده تأکید داشت که درک این وضعیت می‌تواند مسیر نگاه به آینده شهرها را تغییر دهد. کوهی در ادامه سخنانش با تأکید بر ماهیت تکانه‌ای جنگ گفت: وقتی جنگ اتفاق می‌افتد، نظم شهری به‌سرعت دچار فروپاشی می‌شود. این فروپاشی یک اختلال سطحی نیست، بلکه نوعی گسست در ساختارهای عادی مدیریت شهر است، اما همین گسست می‌تواند ما را به سمت فهم جدیدی از شهر ببرد. او درعین‌حال این وضعیت را صرفا منفی ندانست و افزود: در دل این فروپاشی، یک امکان هم وجود دارد؛ امکان بازنگری در شیوه حکمرانی و حتی بازتعریف اولویت‌های شهری. این عضو هیئت علمی دانشگاه تهران یکی از پیامدهای مهم تجربه بحران را شکل‌گیری نوعی اعتماد عمومی دانست و گفت: بعد از عبور از یک تکانه بزرگ مثل جنگ، یک حس اعتمادبه‌نفس گسترده در شهر شکل می‌گیرد؛ این حس که ما توانستیم از این وضعیت عبور کنیم، خودش تبدیل به یک نیروی محرک می‌شود. به گفته او، این نیروی محرک می‌تواند پیامدهای اقتصادی و اجتماعی درخورتوجهی داشته باشد: این اعتماد می‌تواند به پویایی بیشتر، افزایش کنشگری و حتی جذب سرمایه‌گذاری‌های جدید منجر شود. به‌ویژه سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت که معمولا در شرایط عادی کمتر شکل می‌گیرند.

کوهی در ادامه به یکی از ضعف‌های ساختاری اقتصاد شهری اشاره کرد و افزود: یکی از مسائل اصلی اقتصاد ما، غلبه نگاه کوتاه‌مدت است. اما تجربه بحران می‌تواند این نگاه را تغییر دهد و امکان حرکت به سمت افق‌های بلندمدت را فراهم کند. کوهی در بخش دیگری از سخنانش، جنگ را به‌عنوان یک «نقطه تغییر پارادایم» در برنامه‌ریزی معرفی کرد و گفت: ادغام فعال و پویا در عین ابهام، همان چیزی است که امروز باید درباره آن صحبت کنیم. سال‌هاست از برنامه‌ریزی سناریومحور حرف می‌زنیم، اما در عمل به طور کامل وارد آن نشده‌ایم. در برنامه‌های توسعه، چه در سطح ملی و چه شهری، معمولا یک سناریوی مبنا داریم. اما لازم است حداقل یک سناریوی ریسک هم در کنار آن دیده شود؛ سناریویی که نشان دهد اگر شرایط تغییر کرد، چه مسیرهای جایگزینی پیش‌رو داریم.

به گفته او، جنگ این ایده را از سطح نظری به سطح تجربه عملی منتقل کرده است: در شرایط جنگی ما ناچار شدیم برنامه‌های جایگزین داشته باشیم. اهداف تغییر کرد، مسیرها عوض شد و همین موضوع باعث شد سناریوپردازی از یک بحث نظری به یک ضرورت واقعی تبدیل شود.

### شکل‌گیری «جامعه سناریوها» و ارتقای فهم عمومی

کوهی در ادامه به یک تحول اجتماعی اشاره کرد و گفت: در این دوره، ما شاهد نوعی ارتقای فهم عمومی از آینده بودیم. تقاضا برای تحلیل سناریوها بسیار بالا رفت؛ مردم و نهادها می‌خواستند بدانند در آینده چه اتفاقی ممکن است رخ دهد».

او این وضعیت را یک ظرفیت جدید دانست و افزود: این یعنی جامعه وارد مرحله‌ای شده که دیگر فقط به یک آینده قطعی فکر نمی‌کند، بلکه چند آینده ممکن را هم در ذهن دارد. این خودش یک تحول مهم در فرهنگ برنامه‌ریزی است.

### از مشارکت مقطعی تا سرمایه اجتماعی پایدار

کوهی در ادامه سخنان خود به نقش نیروهای اجتماعی در شرایط بحران پرداخت و گفت: در دوره جنگ، نیروهای اجتماعی به واسطه شرایط فوق‌العاده، انرژی بسیار زیادی برای کنشگری پیدا می‌کنند. این انرژی اگر درست مدیریت شود، می‌تواند به سرمایه اجتماعی پایدار تبدیل شود.

او با اشاره به تجربه‌های همیاری در بحران، افزود: مردم در این شرایط، تجربه مشارکت جمعی و همکاری گسترده را لمس می‌کنند. همین تجربه اگر تثبیت شود، می‌تواند به یک الگوی پایدار در حکمرانی شهری تبدیل شود.

### جنگ و «کشف مزیت‌های پنهان شهر»

کوهی بر نقش بحران در آشکارسازی نقاط قوت و ضعف شهر تأکید کرد و گفت: در فضای جنگی، ما بهتر می‌فهمیم که چه چیزهایی در شهر تاب‌آور هستند و چه چیزهایی نیستند. این یک فرصت شناختی مهم است. در چنین شرایطی است که متوجه می‌شویم کدام بخش‌های زیرساختی، مثل حمل‌ونقل یا انرژی، پایدارترند و کدام‌ها آسیب‌پذیرتر. در حالت عادی، این سطح از شناخت به دست نمی‌آید. این عضو هیئت علمی دانشگاه تهران، جنگ را نه صرفا یک رخداد ویرانگر، بلکه «میدان یادگیری نهادی و اجتماعی» برای بازتعریف حکمرانی شهری توصیف کرد. او بر مجموعه‌ای از تجربه‌های به‌دست‌آمده در «جنگ ۱۲روزه» تأکید کرد و گفت این دوره، به طور جدی سطحی از تاب‌آوری شهری را افزایش داده و اثرات آن در آینده آشکارتر خواهد شد.

### جنگ به‌مثابه «آزمایشگاه تاب‌آوری»

کوهی با اشاره به تجربه زیسته این دوره گفت: در جنگ ۱۲روزه خیلی چیزها را یاد گرفتیم که لایه تاب‌آوری ما را به شکل جدی افزایش داد. قدرت این تجربه در آینده بیشتر مشخص خواهد شد. او در ادامه، جنگ را نوعی «آزمایشگاه واقعی تاب‌آوری» توصیف کرد و افزود: در این فضا، ما یکی‌یکی مؤلفه‌های تاب‌آوری را در عمل شناختیم؛ گویی جنگ یک سند واقعی بود که در آن، اجزای تاب‌آوری آزموده می‌شد.

### کشف «زمین‌های جدید قدرت» و بازتعریف امنیت

این استاد دانشگاه، یکی از مهم‌ترین دستاوردهای جنگ را «کشف ظرفیت‌ها و زمین‌های جدید قدرت» دانست و گفت: در این دوره، زمین‌های جدید قدرت و امکان‌های تازه‌ای کشف شد. نمونه روشن آن، درک عملی از امکان‌هایی بود که پیش‌تر درباره آنها غفلت وجود داشت؛ مثل بحث‌هایی در حوزه تنگه هرمز. سال‌ها درباره برخی سناریوها صحبت می‌شد، اما درک عینی از آنها شکل نگرفته بود. جنگ باعث شد بفهمیم این امکان‌ها واقعا وجود دارند. کوهی همچنین به تحول در حوزه امنیت اطلاعات اشاره کرد و گفت: پیش‌تر بحث‌هایی مانند دیتاسنترهای هوش مصنوعی یا امنیت اطلاعات بیشتر در سطح نظری مطرح می‌شد، اما اکنون به یک دغدغه عمومی تبدیل شده است. ما در این زمینه چند پله جلوتر آمده‌ایم. کوهی یکی دیگر از پیامدهای جنگ را توقف روال‌های اداری و روزمره دانست و افزود: در فضای جنگی، کارهای عادی و روزمره تا حدی متوقف می‌شود. این در ظاهر یک آسیب است، اما درواقع می‌تواند یک فرصت باشد. به گفته او، این توقف باعث تغییر سبک حکمرانی می‌شود: مدیران شهری از درگیری‌های روزمره فاصله گرفتند و فرصت یافتند به جنبه‌های جدید فکر کنند. جلسات در فضاهای متفاوت برگزار شد و ارتباط با گروه‌های مردمی بیشتر شد. او این وضعیت را تجربه‌ای از «حکمرانی غیررسمی و مردمی‌تر» توصیف کرد و گفت: یک نوع حکمرانی شهری متفاوت، به صورت بالاجبار تجربه شد؛ اما همین تجربه می‌تواند تکرارپذیر و قابل تبدیل به مدل باشد. کوهی در ادامه، با اشاره به مفهوم تغییر رفتار در شرایط بحران گفت: گاهی بهترین فرصت‌ها زمانی شکل می‌گیرند که انسان از عادت‌های خود فاصله بگیرد. جنگ نوعی ورود به ضد عادت‌هاست؛ تجربه‌هایی کوتاه اما بسیار اثرگذار. این تجربه‌ها شاید زمان کوتاهی داشته باشند، اما ارزش آنها می‌تواند از یک دوره طولانی رفتار عادی بیشتر باشد. این عضو هیئت علمی دانشگاه تهران در بخش دیگری از سخنانش، به بازتعریف نقش خانواده در بحران پرداخت و گفت: در این دوره، فهم ما از خانواده تغییر کرد. خانواده فقط گیرنده خدمات نبود، بلکه یک عنصر فعال در تولید تاب‌آوری بود. او ادامه داد: البته خانواده همچنان نیازمند حمایت است، درعین‌حال باید آن را به‌عنوان یک کنشگر فعال در نظام تاب‌آوری شهری دید، نه صرفا یک نقطه آسیب‌پذیر.

کوهی، اضطراب‌های شناختی و فشارهای روانی را از مهم‌ترین چالش‌های خانواده‌ها در شرایط عدم قطعیت دانست، اما تأکید کرد: همین تجربه نشان داد خانواده‌ها چگونه می‌توانند در شرایط بحرانی نقش فعال ایفا کنند.

### حکمرانی چندسطحی و شهر پساجنگ

کوهی در ادامه به تغییرات ساختاری در حکمرانی شهری اشاره کرد و گفت: در این دوره، حکمرانی شهری انعطاف خوبی از خود نشان داد و توانست بسیاری از امور را به‌جای تصدی‌گری، واگذار و صرفا نظارت کند.

او این تجربه را نمونه‌ای از تحقق «حکمرانی چندسطحی» دانست و افزود: هماهنگی میان سطح ملی، شهری و مردمی در این دوره به‌طور عملی تجربه شد. این الگو اکنون می‌تواند به یک مدل پایدار تبدیل شود.

### جنگ و آغاز «عصر جدید شهر»

کوهی جنگ را نقطه آغاز یک بازآفرینی تمدنی دانست و گفت: شهر پساجنگ می‌تواند از همین امروز بازآفرینی شود؛ نه در قالب نگاه جبرانی، بلکه در قالب ساخت یک تمدن جدید. این تمدن جدید، تمدن تاب‌آوری است؛ تمدنی که در آن مقاومت، درک عدم قطعیت و سازگاری با بحران، به اصول بنیادین تبدیل می‌شود. او تأکید کرد: پس می‌توان گفت شهر پساجنگ، شهری است که از دل این ابتلا یک پله بالاتر می‌رود؛ شهری تاب‌آورتر و آماده‌تر برای عصر جدید عدم قطعیت‌ها. در ادامه نشست فاطمه‌سادات رحمتی، مدیر اندیشگاه تدبیر و توسعه شهری و منطقه‌ای «مِهاد»، با نگاهی مبتنی بر آینده‌پژوهی و مطالعات تطبیقی، بحران را نه یک وضعیت استثنایی، بلکه بخشی از «زندگی روزمره شهرهای معاصر» توصیف کرد. رحمتی با اشاره به ادبیات گسترده در حوزه تاب‌آوری شهری افزود: در ادبیات شهری، مطالعات بسیار زیادی درباره تاب‌آوری وجود دارد. حدود ۲۰ تا ۲۵ مدل شناخته‌شده در این حوزه داریم، اما در همه آنها یک نقطه مشترک وجود دارد: اینکه شهر باید برای آینده‌ای غیرقابل پیش‌بینی آماده باشد.

او تأکید کرد که رویکردهای جدید تاب‌آوری، صرفا بازگشت به وضعیت پیش از بحران را هدف نمی‌گیرند، بلکه به دنبال «بهبود پس از شوک» هستند: برخی از رویکردهای جدید، فراتر از بازگشت به وضعیت قبلی حرکت می‌کنند. هدف این است که شهر بعد از بحران، در وضعیت بهتری نسبت به قبل قرار بگیرد.

### از «شکنندگی» تا «پادشکنندگی» در شهرها

این پژوهشگر شهری در ادامه به طبقه‌بندی‌های جدید در ادبیات بحران اشاره کرد و گفت: در ادبیات تاب‌آوری معمولا سه دسته سیستم داریم: شکننده، تاب‌آور و مقاوم. اما در سال‌های اخیر مفهوم پادشکنندگی هم مطرح شده؛ مفهومی که می‌گوید برخی سیستم‌ها از دل بحران قوی‌تر می‌شوند. او با اشاره به یک پژوهش دانشگاهی افزود: در یک رساله دکتری که اخیرا دیدم، حدود ۸۰ شهر بررسی شده بود. از میان آنها، تعدادی محدود مثل توکیو یا بارسلونا توانسته بودند از بحران به‌عنوان کاتالیزور استفاده کنند و نه‌تنها به وضعیت قبل برگردند، بلکه به وضعیت بهتری برسند.

### روتردام؛ شهر سازگار با آب، نه در جنگ با آن

رحمتی در ادامه با ارائه یک مطالعه موردی از شهر روتردام در هلند گفت: روتردام در دل یکی از حساس‌ترین دلتاهای اروپاست؛ جایی که سه رودخانه به هم می‌رسند و شهر همواره با خطر سیل مواجه است. او با اشاره به موقعیت خاص هلند افزود: هلند کشوری است که بخش زیادی از آن پایین‌تر از سطح دریاست. اما نکته مهم این است که آنها به جای جنگ با آب، یاد گرفته‌اند با آب زندگی کنند. به گفته او، نقطه قوت این تجربه در «تغییر پارادایم حکمرانی آب» است: در رویکرد جدید، به جای مقابله سخت، از زیرساخت‌های ترکیبی طبیعی و مهندسی استفاده شده است؛ از فضاهای چندمنظوره تا پارک‌های آبی که در زمان بارش شدید، آب را ذخیره می‌کنند. رحمتی با اشاره به پروژه‌های شهری روتردام گفت: در سال ۲۰۱۳ فضایی طراحی شد که هم زمین ورزشی و پارک است و هم در زمان بارندگی شدید، تا حدود دو میلیون لیتر آب را ذخیره می‌کند. نکته مهم این است که این پروژه‌ها فقط مهندسی نیستند؛ بلکه مردم در طراحی و پذیرش آنها نقش داشته‌اند. بام‌های سبز، فضاهای عمومی و شبکه‌های سبز شهری همگی با مشارکت اجتماعی شکل گرفته‌اند. رحمتی بر ضرورت تغییر نگاه از «مبارزه با بحران» به «سازگاری با بحران» تأکید کرد و گفت: اگر بخواهیم از تجربه شهرهایی مثل روتردام درس بگیریم، باید بپذیریم که مسئله ما حذف بحران نیست، بلکه یادگیری زندگی با بحران است. شهر آینده شهری است که بتواند از دل بحران، خود را بازطراحی کند؛ شهری که نه‌تنها تاب می‌آورد، بلکه در مسیر تغییر، تکامل پیدا می‌کند. رحمتی با اشاره به تجربه تهران در مدیریت سیلاب‌ها گفت: در تهران هم ما این مسیر را تجربه کرده‌ایم؛ وقتی با سیلاب‌های بزرگ مواجه شدیم، پروژه‌هایی مثل پارک‌ها و فضاهای چندمنظوره شهری شکل گرفت.

**متن کامل را در سایت شرق بخوانید**

**آگهی دعوت از بستانکاران شرکت دارش در حال تصفیه (با مسئولیت محدود)**
**به شماره ثبت ۷۵۸۱۷ و شناسه‌ملی ۱۰۱۰۱۲۰۷۰۰۰ (نوبت سوم)**
در اجرای ماده ۲۱۵ اصلاحیه قانون تجارت از کلیه بستانکاران شرکت دارش در حال تصفیه (با مسئولیت محدود) که آگهی انحلال آن در صفحه ۲۵ روزنامه رسمی کشور به شماره ۲۳۴۴۴ مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۰۲ درج گردیده است دعوت به عمل می‌آید تا ظرف مدت حداکثر یکسال از تاریخ انتشار آگهی نوبت اول با ارائه مدارک مثبته ادعای خود به مدیر تصفیه خانم فاطمه ابراهیمی به شماره همراه ۰۹۳۰۲۱۲۰۲۲۱ مستقر در آدرس تهران، خیابان خرمشهر، خیابان عربعلی، کوچه یکم، پلاک ۱۸ ، واحد ۶ ، کدپستی ۱۵۳۳۸۹۷۱۱۸ مراجعه نمایند. بدیهی است شرکت و مدیر تصفیه در مورد هرگونه ادعای احتمالی که خارج از مدت فوق به شرکت منعکس گردد مسئولیتی نخواهند داشت.
**فاطمه ابراهیمی – مدیر تصفیه شرکت دارش (با مسئولیت محدود) در حال تصفیه**

**کلیه اسناد مالکیت (برگ سبز ، سندکمپانی، کارت و..)**
**سواری پراید مدل ۸۸**
**به شماره پلاک انتظامی : ۹۸۷ د ۲۹ - ایران ۵۵**
**و شماره موتور: ۲۸۸۹۵۲۱ و شاسی: S۱۴۱۲۲۸۸۹۶۳۷۸۱**
**مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط میباشد.**

**برگ سبز و کارت مالکیت سواری اپل آسترا مدل ۱۹۹۴**
**به شماره پلاک انتظامی: ۴۸۱ق۷۸ - ایران ۷۷**
**و شماره موتور: C۱۴NZ۱۹۶۵۶۱۶۴**
**و شاسی: R۵۱۹۷۸۴۷**
**مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط میباشد.**

**برگ سبز و کارت مالکیت سواری پژو۲۰۷ مدل ۱۴۰۵**
**به شماره پلاک: ۶۸۴ س ۶۸ - ایران ۱۶**
**و شماره موتور: ۱۶۵A۰۲۷۶۵۳۱**
**و شاسی: NAAR۶۳HMFTDP۳۵۲۵۹**
**مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط میباشد.**

**برگ سبز موتورسیکلت بلنتا کلیک رنگ سفید**
**مدل ۱۴۰۱ به شماره پلاک ۹۱۴۵۴_۱۴۸ شماره موتور**
0149N1B814230 **و شماره شاسی**
N1BNBBGEKN1U07394 **به نام محسن رستمی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.**

**حوزه ثبت ملک فردیس**
**آگهی فقدان**
آقای علی مزرعه ضمن تسلیم دو برگ استشهادیه تصدیق شده اعلام نموده است که سند مالکیت شش دانگ یک دستگاه قطعه زمین به مساحت ۲۰۶٫۸ مترمربع قطعه ۴۹۳ تفکیکی به پلاک ۱۵۷۸۲ فرعی از ۱۶۳ اصلی مفروز از ۱۴۷۸۹ فرعی از اصلی نامبرده واقع در سرحد آباد جزء حوزه ثبتی شهرستان فردیس بنام علی زرین خشت که سپس برابر سند ۲۴۴۱۷ مورخ ۱۳۹۶/۰۵/۳۰ دفترخانه ۱۸۱ کرج به نام علی مزرعه ششدانگ منتقل گردیده است سند مالکیت کاداستری به شماره چاپی ۲۴۸۳۵۷ ثبت و به علت سهل انگاری مفقود گردیده که وکیل مالک تقاضای صدور سند مالکیت المثنی نموده است لذا مراتب به استناد تبصره یک اصلاحی ماده ۱۲۰ آئین نامه قانون ثبت در یک نوبت آگهی می شود تا چنانچه کسی مدعی وجود سند مالکیت نزد خود و یا انجام معامله نسبت به ملک مذکور می باشد از تاریخ انتشار این آگهی به مدت ده روز اعتراض خود را ضمن ارائه اصل سند مالکیت به این اداره تسلیم نماید بدیهی است چنانچه ظرف مدت مقرر اعتراضی واصل نشود و یا در صورت اعتراض اصل سند ارائه نگردد سند مالکیت المثنی برابر مقررات به متقاضی تسلیم خواهد شد.
**مهتاب هاشمی**
**رئیس اداره ثبت اسناد و املاک فردیس**
**از طرف ایرج نیک بین ۳۶۱**